

## تعدد همسر

مسأله تعدد همسر از جمله حقوقی است که اسلام برای جلوگیری از پاره‌ای مشکلات اجتماعی و خانوادگی برای مردان قائل شده است و چنانکه بعد خواهیم دید یکی از مترقی‌ترین قوانینی است که بصلاح مرد وزن و جامعه می‌باشد .

ولکن متأسفانه دیروقتی است که این مسأله مهم خانوادگی مورد انتقاد ارباب کلیسا و بدنبال آن مورد ایراد پاره‌ای از مستشرقین کم اطلاع از قوانین اسلام قرار گرفته است و کتابها و نشریاتی در این خصوص در اروپا و سایر ممالک مختلف جهان ، منتشر شده است که در آنها کوچکترین گفتار مستدل و منطقی که با کمال بی‌غرضی نوشته شده باشد وجود ندارد و تنها منظور اصلی آنان کوبیدن اسلام و جلوه دادن اینکه اسلام دین منطقی و قابل قبول برای دنیای روز نبوده دارای قوانین خلاف طبیعت و فطرت است می‌باشد .

و این طرز تفکر گو اینکه اساسی نداشته و چنانکه خواهیم دید ارزش علمی ندارد ولی موجی در بعضی از افکار ایجاد و یک نوع حالت تردید در برخی از کوتاه نظران پدید آورده است و لذا تعدد همسر را یکی از مشکلات اجتماعی خود قلمداد کرده سمینارها و جلسات متعددی تشکیل می‌دهند تا طریق علاج این مشکل اجتماعی را بررسی نمایند و حتی بعضی از نویسندگان نیز در مقام توجیه اباحه و تعدد همسر در اسلام بر آمده بطوریکه بآن صورت استثنایی و کاملاً تشریفاتی داده و آنرا از صورت اصلی و واقعی خود که مورد نظر اسلام است خارج ساخته اند .

ناگفته پیداست که موج مخالفت با این قانون منحصر بکشور مان نبوده در بعضی ممالک دیگر اسلامی نظیر این مخالفت‌ها دیده می‌شود چنانکه در مصر از طرف وزارت امور اجتماعی آن کشور با اجازه قاضی شرعی لایحه‌ای در مورد تحدید قانون تعدد همسر تنظیم و اجراء آنرا از دولت خواستار گردیدند . (۱)

اینک باید دید منطق مخالفین این قانون چیست ؟ و اصول افکار آنان کدام است ؟  
۱- قانون تعدد همسر زیانهای اجتماعی دارد زیرا عواطف رقیق زنان را جریحه دار

می‌کند و آمال و آرزوهای آنان را از زمین برده از فوران مهر و محبت نه تنها جلوگیری کرده بلکه گاهی حس انتقام آنان را نیز تحریک نموده موجب هرج مرج در زندگی خانوادگی گذشته در تربیت اولاد کوتاهی می‌کنند و چه بسا موجب انحراف و گرایش آنها بسوی فساد می‌گردد و سبب خیانت آنها در مال و ناموس می‌شود .

۲- تعدد همسر مخالف ناموس طبیعی است و خلاف فطرت می‌باشد .

۳- این قانون مردها را بشهوترانی و عیاشی تشویق کرده موجب تقویت جنبه غرائز جنسی می‌گردد و نمودار اصالت آن در اجتماع می‌باشد .

۴- این قانون انتخاب اصلح در نسل و نظم آنرا در خانواده‌ها برهم می‌زند زیرا زیادی همسر قهراً موجب ازدیاد نسل شده کنترل آنرا از دست انسان خارج می‌سازد علاوه بر این اشکالات متعددی از لحاظ تربیت اولاد و تأمین مخارج تحصیلی و غیر آن و هزینه زندگی همسران متعدد متوجه مرد می‌گردد که تمام اینها موجب اختلال در زندگی منظم خانوادگی و امور اجتماع می‌شود .

برای بررسی منطقی مخالفین مسأله تعدد همسر در اسلام لازمست چند مسأله را بتدریج مورد بحث قرار می‌دهیم ؟ آیا این قانون از امتیازات اسلام بوده ، در ادیان دیگر و در قوانین مدنی سایر ممالک مختلف جهان اثری از آن ، دیده نمیشود یا نه ؟ اصل تشریح آن در اسلام کدام است و هدف نهائی از تشریح آن چه بوده و چه آثار اجتماعی بر آن مترتب می‌باشد ؟ آیا اسلام در تحت چه شرائطی آنرا جایز دانسته است ؟ آیا این قانون برخلاف ناموس طبیعی بوده بضرر زنها و جامعه و مصالح خانواده ها می‌باشد یا نه ؟ آیا این قانون می‌تواند بعنوان يك اصل انکارناپذیری در حل مشکل زیادی زن در جهان و بعنوان يك طریق عاقلانه برای جلوگیری از انحراف مردها در موارد طفیمان غریزه جنسی مورد عمل واقع شود یا نه ؟

#### تعدد همسر در ادیان و ملل گذشته

مطالعه کتب ادیان موجود و تاریخ ملل پیشین ، این حقیقت را بوضوح ثابت می‌کند که مسأله تعدد همسر قانونی نیست که تنها در اسلام بوده و برای اولین بار با اسلام پیدا شده باشد بلکه در طول زمان سابقه ممتدی داشته ، در میان ملل مصر و ایران و روم قدیم کم و بیش رایج بود و در میان قبائل مختلف عرب نیز بنحو نامحدودی شیوع داشته ، در ادیان قبل از اسلام نیز رسمیت داشته مطالعه تاریخ انبیاء گذشته مثل حضرت ابراهیم و حضرت داود و حضرت سلیمان بهترین شاهد گویای آن بشمار می‌رود .

در کتاب تورات در مواضع متعدد از تعدد همسر اسم برده و بعضی از احکام آنرا نیز متعرض

شده است مثلاً در سفر خروج تورات باب ۲۱ آیه ۱۰ - چنین ذکر شده است: «اگر زن دیگری بجهت خود میگیرد نفقه و کسوه و حق مضاجعت او را کم نکند، و در جای دیگر آن سفر تثنیه تورات باب ۲۱ - آیه ۱۵ می گوید: «اگر مردی را دوزن باشد یکی محبوبه و دیگری مبعوضه، و هر دو محبوبه و مبعوضه فرزندان از برای او بزائید و پسر زن مبعوضه اول زاده باشد، پس مقرر آنکه در روزی که پسران خود را وارث اموال خود می گردانند مختار نیست که پسر زن محبوبه را مقدم بر پسر مبعوضه اول زاده، گرداند،

چنانکه ملاحظه می کنید قانون تعدد همسر در دین یهود نه تنها جایز بوده بلکه مورد عمل نیز می باشد و برخی از احکام آن نیز در تورات ذکر شده است.

اما انجیل باینکه راجع باین حکم تورات که حق طلاق را بطور مطلق در دست مرد قرار داده است نظر مخالف داده و در صورتی حق طلاق را در دست مرد می داند که زن مرتکب اعمال منافی عفت گردد و لکن در مورد مسأله تعدد همسر ساکت بوده و نظر مخالف با تورات در این مورد، اظهار نکرده و هیچ گونه قید و شرطی برای آن ذکر ننموده است و از این رو در اروپای مسیحی تا اوائل نیمه دوم قرن هشتم میلادی تا عهد شارلمان پادشاه فرانسه که خود همسران متعدد داشت، قانون تعدد همسر از نظر کلیسا بلا مانع بوده ولی در عهد این پادشاه بدستور کلیسا برخلاف متن انجیل، در سراسر دنیای مسیحیت ممنوع گردید، و مردانی که بیش از یک زن شرعی داشتند مجبور شدند، تنها یک زن را بعنوان همسر شرعی خود نگاهدارند و بقیه را بعنوان رفیقه خصوصی خود محسوب دارند! و بدین طریق قانون تعدد همسر را که برای اجتماع یک قانون اجتناب ناپذیر بشمار میرود عملاً نسخ کردند و در نتیجه فحشاء و منکرات را اشاعه داده پیروان مسیح را بسوی آن سوق دادند باینکه بنص صریح انجیل، فحشاء و زنا یک عمل غیر مشروع و ناپسند می باشد.

نتیجه همین ممنوعیت چند همسری از طرف کلیسا در اروپا بود که دولت وقت فرانسه را ناچار نمود که در سال (۱۹۰۱) کنفرانسی تشکیل دهد تا وسائل جلوگیری از شیوع فسق و فجور که حتی در میان مردانی که یک همسر داشتند بحد و فور شیوع داشت بررسی نمایند و در همین کنفرانس بود که دولت فرانسه رسماً اعلام کرد که تنها در یک ایالت فرانسه، پنجماه هزار طفل بی صاحب و سرراهی جمع آوری شده است (۱).

از مطالب بالا و مطالعه احوال جوامع مختلف بشری و طبیعت انسانها این نتیجه بدست می آید که قانون تعدد همسر مطابق فطرت بوده و اروپائیان نیز قریباً باین قانون عمل می کردند و الا آن نیز که این قانون از طرف کلیسا برخلاف متن اصلی انجیل، ممنوع گردیده، بصورت های مختلف از قبیل اختیار رفیقه خصوصی و آزادی مطلق ارتباط های زن و مرد مورد عمل می باشد

وازیں جهت ، زیاد در مطبوعات می خوانیم که زنهایی پیدا می شوند که بامیل خود اجازه می دهند که مردان همسر دیگر برای خود اختیار کنند و از اینها بخوبی درمی یابیم که این قانون مخالف فطرت نیست .

زنانی که حاضر نیستند شوهرانشان همسر دیگری داشته باشند بیشتر از این نظر است که مردانی که همسران متعدد اختیار می کنند ، بوظائف و حقوق شرعی و عرفی خود عمل نمی نمایند و به مسئله عدالت که شرط اصلی است توجهی ندارند .

و باینکه اصولاً قدرت عمل بحقوق زناشوئی را که اسلام مابین آنها مقرر کرده است ، ندارند و چنانچه خواهیم گفت اسلام قانون تعدد همسر را تحت شرایطی که بعدها بآنها اشاره خواهیم کرد تشریح نموده است و هرگز اجازه نمی دهد که از این قانون که بنوبه خود برای حل باره ای از مشکلات اجتماعی و خانوادگی وضع شده است سوءاستفاده کنند و باعدم عمل بوظائف شرعی و حقوق زناشوئی ، بعضی از همسران خود را از لحاظ هزینه زندگی و یاروابط زناشوئی و ... تحت فشار قرار دهند ، و یا بهانه استفاده از این قانون بساط هوسرانی را بگسترانند و زنان بی گناهی را اسیر و برده سازند .

#### بقیه از صفحه ۷

الله فی الجهاد باموالکم و انفسکم و السننکم فی سبیل الله ، (۱) ای فرزندانم هرگز نباید جهاد با مال و جان و زبان را فراموش کنید ، آیا جهاد با زبان در جهان امروز جز تقویت دستگاه های تبلیغاتی ، و تربیت گویندگان زبردست ، و نویسندگان بزرگ ، چیزی هست . **جهاد است نه جنگ** : نکته قابل توجه در تشریح جهاد اسلامی اینست که اسلام این اصل حیاتی را که لازمه بقاء هر موجود زنده است ، تحت عنوان « جهاد فی سبیل الله » تشریح نموده و در قرآن مجید هر موقع نامی از این اصل برده شده است ، لفظ جهاد (۲) و یا یکی از مشتقات آنرا مانند : « جاهدوا بجاهدون ، المجاهدون » و . بکار برده است و این خود میرساند که آنچه در اسلام مطرح است همان کوششهای همه جانبه ، برای نشر آئین توحید ، و شکستن بتها و معبودهای قلابی ، و مستقر ساختن حکومت الهی در روی زمین ، میباشد ، نه جنگ و قتل و نبرد و خونریزی . و اگر هم روزی پیروان خود را برای مقاتله و نبرد بادشمنان دعوت میکرد ، از این نظر بود که کوبیدن دشمن مزاحم ، یکی از مصادیق کوششهای اسلامی برای استقرار توحید و حکومت الهی و حق و عدالت در روی زمین بوده و میباشد .

بنابراین هر نوع کوشش و فعالیت که کمک مؤثر به انتشار اسلام و تجدید عظمت مسلمانان بنماید بطور مسلم از مصادیق واقعی جهاد بوده ، و هرگز جهاد اسلامی در چهارچوبه خاصی محدود نمی شود .

۱- نهج البلاغه نامه شماره ۴۷

۲- لفظ جهاد با تمام مشتقات آن ۲۸ بار در قرآن آمده است .